

# نویسد

(وابسته به حزب توده ایران)

شماره ۲۱ - شنبه ۲۰ اسفندماه ۱۳۵۶

سلسله مقالات «نویسد» دربارهٔ ویژگیهای جنبش کارگری ایران  
و نقش روشنفکران انقلابی و مبارزان مارکسیست در قبال آن (۲)

## مبارزات صنفی طبقه کارگر

رادر بر بی گوند، موجب می شود که جنبش کارگری با مبارزه اقتصادی آغاز شود. لنین می گوید:  
"مبارزه صنفی یکی از پدیده های دائم و ضروری در نظام سرمایه داری است و در تمام لحظات برای جنبش کارگری حقیقی است." (مجموعه آثار - جلد ۷ - صفحه ۸۹)  
مبارزه صنفی و اقتصادی و میدان نبردی برای نبرد نهایی است. هر کارگری باید این مدرسه را بیگرداند. باید فنون جنگ های سیاسی آینده را که با سر نوشت او در آینده است در این مدرسه فراگیرد. باید در این دست و پنجه نرم کردن ها، کشتنک های مطالباتی، لغتصاب ها، ظرفیت و نیروی خود را کشف کند، استعداد های خود را بیابد و برای قدم گذاشتن، بصره های تاریخی آید پدید شود.

مبارزه صنفی گسسی است که رند آگاهی طبقاتی و انسپیل می کند و در روند آگاهی روح فد سرمایه داری راد و کارگری می انگیزد. پیشوا خود ضد اکثر می آموزد:

"سازمان های کارگران برای مبارزه اقتصادی باید سازمان های صنفی باشند. هر کارگر سوسیال دموکرات (گونیست) باید در حدود امکان خود به ایسین سازمانها باری رساند و میدان در آنها فعالیت کند... بگذار هر کارگری که به ضرورت اتحاد برای مبارزه علیه کارفرمایان و دولت می بود، در اتحادیه صنفی شرکت جود".

هیچ طبقه ای به اندازه طبقه کارگر استعداد تشکیل ندارد. اما این طبقه برای تشکیل راه دشوار و پر سنگلاخی را می پیماید. طبقات استثمارگر در برپوشش کارگران مانع متعدد پدید می آورند. وضع قوانین ضد کارگری، بیکرد رهبران کارگران و پاهال کردن آزادی های سندیکایی، سرکوب اتحادیه های واقعی و ایجاد اتحادیه های که توسط دست نشاندهان پنیس و کارفرما اداره می شود، از جمله وسایلی است که برای تفرقه صنفی کارگران و پیشگیری از تشکیل آنان به کار گرفته می شود. برانداختن موانعی که طبقات استثمارگر و دولت آنها در برابر مبارزه یکجوره و هائی بخش کارگران

شناخت، حوائت و اشکال گونه کون مبارزه طبقاتی بود لتاریسه، اصلی ترین آموزش انقلابی مارکسیسم - لنینیسم است. این خطر گاهی است که روی نبرد سبکگینی که گاه در پنهانی ترین لایه های اجتماعی و در زیر پرده های غیظ و دود و دغبار جریان می یابد، گاه به صورت سرود و برقع و زمین زره و خامعرا در می نوردد. هم در آن جلوه کم رویت و استتار شده و دیندر آن حالت انفجاری و عریان، مبارزه طبقاتی کارگران یک دم متوقف نمی شود. آنچه هست اشکالی از این مبارزه عام حاکمترین اشکال دیگری می شود، اشکالی عالی تر و از اشکال قبلی فرای زوید بردش عناصر سیاسی، تحریک طبقه و حضور اجتماعی و نقش تعیین کننده آنرا فزونی می دهد.

مبارزه طبقاتی پروتارناربا سه عرصه اساسی دارد:

- ۱- عرصه اقتصادی
- ۲- عرصه سیاسی
- ۳- عرصه ایدئولوژیک

هریک از این سه عرصه ویژگی ها و کیفیت متمایزی دارد. مرزهایی که این عرصه ها را از هم جدا می کند، همان دیوار نامریی بلندی است که باید به دست مارکسیست ها از میان برداشته شود. برای تفرود ریختن این دیوار که انتخاب ترین سیاه هائی بخش خلق در پشت آن محبوس است، باید طبیعت و شعلت وجود و دشوور هر یک از این عرصه ها را به درستی و دقت باز شناخت. رابطه درونی ایسین سه عرصه و تشریح آنرا در آید و پیوند هرچه بیشتر و عسقت تر آنها، القای جهان بینی مارکسیستی است.

### ۱- مبارزه اقتصادی کارگران

هدف و انگیزه مبارزات اقتصادی (صنفی و سندیکایی) تفرود بنوسی) بیهود شرایط کار و زندگی کارگراست. مبارزه اقتصادی در واقع همان نبرد مطالباتی طبقه کارگراست که تا لغتصاب فسرآ می رود.

دفاع از ضایع روز مره و اقتصادی برای تمامی کارگران - حتی بی تجربه ترین آنها - نه فقط تابل، درک، بلکه جاذبه انگیزاست. این جنبه به توسعه تفرود مبارزه اقتصادی که آحاد مزدوران سرمایه

## بگذار «او» عوعو کند...

شاه در روز زهم اسفندماه، در کنفره آجنانی زنان، خود را به ماهی که نور می افشاند و مردم را به سکی که عوعو می کند تشبیه کرد. او در این سخنرانی عصبی، سر را به عده و آمیخته به جین و تهید و خشم و استهمال، از جنی که به کون سبب دارد و مواهب و نعمتات بی حد و اندازه ای که به ملت بخشیده، سخن گفت و سرانجام طست حق شناسی را که جواب این همه فدکاری و زحمتورن شانه روز و باشت های گروه کرده و خونین در دم و تفریز و تظاهرات اوج گیرنده در سراسر کشور و تنسخر و مخالفت خوانی آشکار و پنهان در محافل و مجامع و کوجه و خیابان و مسجد می دهد، سکی که عوعو می کند، عخطاً کرد!

از قدیم گفته اند: شنگ را که برداری، سنگ پارس می کند. شنگه که در این غرب الظل های مردی، به تجربه و حقیقت زنده ای نهفته است. درست در بچیو حه کنشترش برق آسای تظاهرات انترامی و برخاستن امواج عظیم ناراضی و خشم تودهای سنگ هار امپریالیسم، عوعو شاهانه و جنون آمیز را سردار است حق با او است. بگذار تا پارس کند و غرناسه بکشد. این شروع تشنج مرگ و لاعلاجی است. وقتی که پای دشنام به میان می آید، تشنه است که حتی تبلیغ و دروغ و شامورنی بازی و نمایش های قلابی تا خود را به کلی از دست داده اند و نقش بر آب شده اند. از شاه در برابر هجوم سراسر آو و حقایق جز فحش و تهمت و دندان گروچه رفتن و پاه زمین کوفتن، کاری ساخته نیست. او می داند که حنای تزیینش رنگ شده و واقعیت زندگی تفریلید و ضد ملی بی لیاقتی و فساد و تهیکاری های انسانه ایل و ایران و انصارش را با نعره های گوشخراش در هر گوشه کشور، فاش کرده است. اوج پیچه های خلق را که به صورت هزاران سوال بدون جواب در هر خانه، هر اداره، هر کارخانه، هر دانشگاه و هر کان و اجتماعی، شکل گرفته می شود. او می داند که مردم می داند به برکت ز سبفک و خود فروخته و غارتگر آریامهری، در روی بزرگترین کجینه ها و ناخایس طلای سیاه و اورانیوم و من و سرب و زغال سنگ و نعمتات ثروت های ملی بی شمار دیگر، ملتی فقر زده با اقیانوسی از مشکلات و نارسایی ها و معرویت های بادئ معنی، کنگشمار می رود. او می داند که مردم می داند ثروت های نفی ماه حکم ضایع و صالح امپریالیستهای جهانخوار تبدیل به گو له و مسلسل و تانک و مدرن ترین هواپیما دنباله در صفحه ۲

به مناسبت هشتم مارس (۱۷ اسفند)، روز بین المللی زن

## «نیمی از بشریت» باید آزاد شود!

ما در دورانی از تاریخ زندگی می کنیم که بضمون اساسی آن گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است. بشریت زحمتکش در کارگی افکنند آن حنان جامعه نوینی است که تمام ادوار گذشته تاریخ بشری را به ما قبل تاریخ می راند و همراه آن هرگونه ستم طبقاتی و ملی، نژادی و جنسی را از برصه اجتماع می زداید. پرچم دار این روند آزادی بخش، پرولتاریای درامتاز و نیروی لایزال آن ارتش عظیم و ملبونی همه زحمتکشان مستعد پدگان است. جنبش آزادی خواهانه زنان، که سه نیمی از بشریت را تشکیل می دهند، بخش مهم و گدشت ناپذیری از این نیروی عظیم تشکیل می دهد. به طوری که بدون آن تحقق

روند آزادی کامل بشریت امکان پذیر نخواهد بود. لنین کبیسه می گوید:  
"انقلاب سوسیالیستی نمی تواند عملی شود، اگر قسمت بزرگی از زحمتکشان زن در آن سهم قابل توجهی نداشته باشند."  
مگر بشریت مترقی می تواند از نیی از وجود خود صرف نظر کند، نیمه ای که بدون آن تحقق آرزوهای والای انسانی و اجتماعی غیر ممکن است؟



برای گسستن زنجیرها بیا خیزیم!